

زنان در قدرت

آنگلا مرکل

تأثیرگذارترین رهبر اروپا

متیو کورتز

مترجم: مریم الماسی



www.ketab.ir

سرشناسه: کورتراپ، متیو

Qvortrup, Matthew

عنوان و نام پدیدآور: انگلا مرکل: تاثیر گذارترین

رهبر اروپا / متیو کورتراپ: ترجمه‌ی مریم الماسی.

مشخصات نشر: تهران: نشر جمهوری، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۴۸۸ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۰۴-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: روسای دولت - آلمان - سرگذشت‌نامه

شناسه افزوده: مریم الماسی / مترجم

رده‌بندی کنگره: DD۲۹/۳۳

رده‌بندی دیویی: ۹۴۳/۰۸۸۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۰۵۴۲۸



نشر جمهوری

دیر مجموعه / محسن عسکری جهقی
ویراستاری، صفحه‌آرایی و طراحی جلد / گروه هنری جمهوری
لیتوگرافی / نشر ایران
چاپ و صحافی / طرایی
نوبت چاپ / دوم، ۱۴۰۲
تیراژ / ۵۰۰ نسخه
شابک / ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۰۴-۹

دفتر مرکزی / خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان
ژاندارمری، پلاک ۸۸ تلفن: ۶۶۴۱۰۸۱۴
فروشگاه: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰،
تلفن ۳۳۹۳۰۳۹۰
تلفن همراه: ۰۹۱۹۱۹۹۳۷۹۶

حق چاپ و انتشار انحصاراً محفوظ است.
اینستاگرام / jomhooripub
www.jomhooripub.com
وبسایت /
پست الکترونیک / Nashre.jomhoori@gmail



فهرست

سپاسگزاری/۹

مقدمه/۱۱

۱. کودکی ای در دوران کمونیزم/۱۷
 ۲. در سایه دیوار برلین/۴۸
 ۳. آنگلا در لایزیگ/۷۴
 ۴. ملال تحمل ناپذیر هستی: متصرفی در برلین/۱۰۸
 ۵. آنگلا، مرکل می شود/۱۳۶
 ۶. دختر کهل/۱۶۱
 ۷. سیاست پدرکشی: چطور مرکل رهبر حزب شد/۱۸۶
 ۸. بازی انتظار: رهبر شکنجای حزب/۲۱۰
 ۹. مرکل شکست می خورد و محمدرضا اعظم می شود/۲۳۵
 ۱۰. پیدایش ملکه ی اروپا/۲۵۸
 ۱۱. سوپ سیب زمینی، پاپ و انتخابات/۲۸۵
 ۱۲. بحران منطقه ی یورو و افغانستان/۳۰۹
 ۱۳. تبدیل شکست حتمی به پیروزی و فراتر از آن/۳۳۴
 ۱۴. اوکراین، یک تراژدی یونانی دیگر و بحران پناهندگان/۳۶۱
- سخن آخر: ننه دلاور یا مرکیاولی/۴۰۴
- واژه نامه/۴۱۹
- یادداشت ها/۴۲۵
- آلبوم تصاویر/۴۵۳
- نمایه/۴۶۷

مقدمه

اگر غروب روز انتخابات ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۵ آنگلا مرکل دقیقاً هم‌زمان با صدراعظم شرودر نمی‌رسید، ممکن بود همه‌چیز به‌کلی جور دیگری شود. در واقع، انگار سرنوشت این بود که هر دو سیاستمدار هم‌زمان به استودیوی تلویزیونی تسولرن‌هوف^۱ در اوتر دن لیندن^۲، خیابان معروفی در برلین برسند تا در مناظره‌ی مرسوم شرکت کنند که بعد از انتخابات بین رهبران حزب برگزار می‌شد. نگهبانی در را برای خانم مرکل، رهبر اپوزیسیون، باز کرده بود. «خانم صدراعظم، خوش آمدید.»

گرهارد شرودر^۳، که از ۱۹۹۸ صدراعظم آلمان بود، با عصبانیت گفت: «ایشون صدراعظم نیستند. منم.» سیاستمدار سوسیال‌دموکرات آشفته و با حالتی عصبی وارد استودیوی تلویزیونی شد. داد زد: «واقعاً خیال می‌کنی حزب من با خانم مرکل وارد مذاکره می‌شه؟» به جدال‌های سیاسی مردانه و بی‌ملاحظه‌ی عادت داشت اما آنگلا مرکل فقط آنجا نشست؛ انگار می‌گفت: «با خانم‌ها نباید این‌طوری حرف زد.» مردم از روی همدردی به مرکل رأی دادند. در واقع شرودر صدارت‌اعظمی را وقتی از دست داد که دم در ورودی تسولرن‌هوف عصبانی شد.

اولین بار نبود که مرکل از پیش‌سیاسی‌اش استفاده می‌کرد تا از رقیبش زیرکانه‌تر رفتار کند. زنی که نتوانسته بود بی‌درنگ برنده‌ی انتخابات باشد، ناگهان در مذاکرات موضع بالاتری داشت و تأیید مردم را به دست آورد. چند هفته بعد، آنگلا دورورتا^۴ مرکل

1. Zollernhof

2. Unter den Linden

3. Gerhard Schröder

4. Angela Dorothea Merkel

که با نام خانوادگی کاسنر^۱ متولد شده بود) در مقام اولین صدراعظم زن آلمان فدرال، سوگند یاد کرد و در مسیری قدم گذاشت تا به قدرتمندترین سیاستمدار دنیای قدیم^۲ و در واقع ملکه‌ی اروپا تبدیل شود.

این کتاب، که اولین زندگی‌نامه‌ی مفصل مرکل به زبان انگلیسی است، داستان رهبری حرفه‌ای و متمرکز را بازگو می‌کند که گاهی «ریاضی‌دان قدرت» نامیده می‌شود و همچنین شخصیت، علایق و گذشته‌ی فیزیک‌دان کوانتوم معمولی و فروتنی را فاش می‌کند که فقط در عرض چند ماه از گمنامی در دنیای سیاست به اوج قدرت رسید. این کتاب زندگی و دوران زنی را دنبال می‌کند که اصالت لهستانی دارد، در حکومت دیکتاتوری کمونیستی بزرگ شده، زمانی پیشخدمت بار و متصرف بوده و بعد صدراعظم آلمان شده است. این داستانی نیست که بارها تعریف شده باشد و قطعاً کسی آن را به انگلیسی تعریف نکرد^۳. مرکل در مصاحبه‌ای با مجله‌ی اشترن^۴ در ۱۸ نوامبر ۲۰۰۴ گفت: «مردم دریاهای من عملاً هیچ چیز نمی‌دانند.» بعد از گذشت دوازده سال نیز این مسئله مطرح می‌شود. همچنان واقعیت دارد. افراد بسیاری می‌دانند او در آلمان شرقی بزرگ شده، علوم طبیعی خوانده و اولین صدراعظم زن آلمان است اما بخش‌های دیگر زندگی‌اش کمتر شناخته شده است. ممکن است اینکه او شوخ‌طبعی فوق‌العاده و استعداد تقلید صدا از جمله صدای پاپ دارد موجب تعجب افراد بسیاری شود. برخی هم ممکن است تعجب کنند که او با تربیتی مسیحی بزرگ شده است. این‌ها، و موارد دیگری که در این کتاب فاش می‌شوند، قبلاً در کتاب‌های کوتاه‌تری که در باره‌ی او به انگلیسی نوشته یا منتشر شده‌اند بررسی نشده است.

در پایان ۲۰۱۵، تصویر آنگلا مرکل تغییر کرد؛ مرکل که زمانی مدیری جدی و سخت‌گیر بود حالا تنها رهبر بزرگ اروپا بود که درهای کشورش را روی تعداد بسیاری از پناهندگان گشوده بود. آلمان در ۲۰۱۵، بیش از یک میلیون پناهنده را پذیرفت. ظاهراً مرکل، که تا آن زمان رهبر محتاطی شناخته می‌شد که تحلیل‌های گسترده را به اقدامات

1. Kasner

۲. Old World. اصطلاح «دنیای قدیم» به آفریقا، آسیا و اروپا اشاره دارد. مترجم.

3. Stern

عجولانه و تکانشی ترجیح می‌داد، به کلی عوض شده بود. به نظر می‌رسید از نقش جدیدش برای ایجاد فرهنگ استقبال کردن از این شهروندان جدید لذت می‌برد. آیا این پشت‌پازدن به گذشته بود؟ چه اتفاقی افتاده بود؟ آیا تسلطش را از دست داده بود؟ بسیاری از خودی‌ها با او مخالفت کردند. آیا این هم نشان می‌داد این قانون بی‌چون و چرای دولت که تمام حرفه‌های سیاسی به شکست ختم می‌شوند، واقعیت دارد؟

تا همان چند ماه قبل، به نظر می‌رسید امکان ندارد مرکل اشتباه کند. در سایر پایتخت‌های غرب تقریباً همه تحسینش می‌کردند. همان‌طور که الستر کمبل^۱ (صاحب‌نظر بریتانیایی) گفته بود، در «عصر مرکل» زندگی می‌کردیم؛ خانم مرکل به اروپا شکل داده و خود به نمادی فرهنگی تبدیل شده بود.

ممکن است با این سؤال فرضی سروکله بزنیم: اگر مرکل صدراعظم نبود، چه می‌شد؟ هرگز نمی‌توانیم جواب این سؤال را بدانیم اما واقعیت این است که او در لحظه‌ای مهم در تاریخ اروپا و جهانی برجسته بود. گذشته‌اش و تجربه‌های قبلی‌اش در جایگاه سیاستمداری که دست کم گرفتاری‌ها شد و همکاران مردش جدی‌اش نمی‌گرفتند تا حد زیادی روی سبک حکومت و نحوه‌ی کل‌مدن کشورش و قاره‌ی اروپا از میان بحران‌های متعدد تأثیرگذار بود. مرکل با پشتکار و سبک کاملاً متفاوتش همه را متعجب کرد. البته او هم مرتکب اشتباهاتی شد؛ تعهدش به پناهندگان و علاقه‌ی جدیدش نسبت به جمعیت انبوهی که از خاورمیانه آمده بودند، باعث شد از چشم اعضای جناح راست سیاسی و بسیاری از همکارانش در حزب بیفتد اما ظاهراً در این مرحله‌ی متأخر حرفه‌اش، آمادگی دنبال کردن سیاست‌هایی را داشت که علی‌رغم محبوب نبودنشان، به نظر خودش از لحاظ اخلاقی کار درستی بودند.

آیا می‌توان نجات منطقه‌ی یورو را از دستاوردهای او دانست؟ آیا می‌توان به دلیل بحران پناهندگان ملاتش کرد؟ مورخان درباره‌ی نقش افراد، نظرهای متفاوتی دارند. فقط زنان و مردان بزرگ نیستند که تاریخ را شکل می‌دهند، «آدم‌ها، تاریخ‌خودشان را می‌سازند اما نه آن‌طور که دلشان می‌خواهد یا در شرایطی که خود انتخاب کرده باشند.» احتمالاً آنکلا مرکل این سخن کارل مارکس، فیلسوف و کمونیست آلمانی، را خوانده

بود اما بعید است تأثیر چندانی رویش گذاشته باشد، چون در واحد درسی اجباری مارکسیسم-لنینیسم، که در دانشگاه کارل مارکس^۱ شهر لایپزیگ^۲ برای دانشجویان دوره‌ی لیسانس برگزار می‌شد، به‌زور نمره‌ی قبولی گرفته بود.

مرکل هم قربانی بخت و اقبال بود اما شانس به‌تنهایی وضعیت زندگی ما را تعیین نمی‌کند؛ زنان و مردان سیاستمدار کسانی‌اند که در صورت امکان، از فرصت استفاده می‌کنند. نووالیس^۳، شاعر رمانتیک آلمانی، تحت تأثیر تحولات گسترده‌ی تاریخ نوشته است: «سرنوشت و سرشت، نام‌های مختلف یک مفهوم یگانه‌اند.»

اقدامات مرکل آینده را شکل داد و در سیاست و اقتصاد شرایط سیاسی جدیدی ایجاد کرد که همه باید آن را می‌پذیرفتند؛ چه در برلین زندگی می‌کردند، چه در بروکسل، مسکو، آتن یا در اردوگاه‌های پناهندگان که در سراسر اروپا و خاورمیانه پراکنده بود.

این کتاب، تاریخ آلمان را از دریچه‌ی زندگی پژوهشگر سابق علوم طبیعی متنی تعریف می‌کند که برخلاف انتظار، موفق شد قدرتمندترین زن جهان شود. کتاب، تحول زنی را روایت می‌کند که تحت احتیاط بود اما ناگهان عمیق‌ترین اعتقاداتش را کشف کرد. کتاب نشان می‌دهد وقتی مرکل به قیمت نگرانی بسیاری از هم‌وطنانش در ۲۰۱۵ درها را روی پناهندگان خاورمیانه باز کرد، آن درش‌های مسیحیت دفاع می‌کرد که در وطن کودکی‌اش آموخته بود. شاید همچنین توضیح بدهد چرا او بیشتر امتیازهای سیاسی‌اش را، که با دقت به دست آورده بود، صرف سیاستی می‌کرد که محبوبیت نداشت. چرا زنی که به احتیاط شهرت داشت چنین عزمی از خود نشان داد؟ برای جواب‌دادن به این سؤال باید داستان کامل زندگی‌اش را بدانیم.

با اینکه اتفاق‌های اولیه‌ی زندگی مرکل شخصیتش را شکل داده بود، در زندگی حرفه‌ای‌اش لازم بود زمانی طولانی بگذرد تا همه‌چیز کنار هم قرار بگیرد. تقریباً می‌شود با دقتی ریاضی‌وار به دگردیسی مرکل اشاره کرد.

آخر اکتبر ۲۰۱۵ بود و رهبران اتحادیه‌ی اروپا در بروکسل جمع شده بودند. در دستور

1. Karl Marx University

2. Leipzig

3. Novalis

جلسه فقط یک مورد بود: بحران پناهندگان. بیش از یک ماه بود که تعداد بی سابقه‌ای از افراد از ترس حکومت به اصطلاح اسلامی سوریه فرار می‌کردند. آلمان و سوئد تنها کشورهایی بودند که به نظر می‌رسید نسبتاً پذیرای پناهندگان در مانده‌اند. کشورهای اروپای شرقی به‌طور بخصوص نگران بودند. ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان، سخنگوی غیررسمی کسانی بود که مخالف ورود پناهندگان بیشتر بودند. اعتماد به نفس داشت، چون احساس می‌کرد افکار عمومی کم‌کم با او هم عقیده می‌شدند. سیاستمدار مجارستانی مغرورانه و با لحنی که انگار می‌خواست بگوید من که بهتان گفته بودم، گفت: «خیلی طول نمی‌کشد و بالاخره آلمان حصار می‌سازد. وقتی این کار را بکنند، اروپایی را خواهیم داشت که من می‌پسندم.» سکوت اتاق را فراگرفت. مرکل پایین را نگاه کرد، مکث کرد و بعد آرام و با تأکید به همکارانش گفت: «من مدتی طولانی پشت حصار زندگی کرده‌ام، کاری نیست که دلم بخواهد دوباره انجامش بدهم.»^(۱)

مرکل مطمئن بود بتواند از لحاظ سیاسی جان سالم به در ببرد اما قصد نداشت اصولش را به‌خاطر منافع سیاسی زیر پا بگذارد. در حالی که کشورهای دیگر برای اینکه مانع ورود پناهندگان شوند، دائم سیاست‌های پیچیده‌تری تدارک می‌دیدند، مرکل با جسارت اظهار کرد: «من در مسابقه‌ی چه‌کسی بیشتر از همه با پناهندگان بد رفتار می‌کنم. شرکت نمی‌کنم.» سرکش به نظر می‌رسید اما در واقع حالت تدافعی داشت. تا قبل از آن، به نظر می‌رسید بحران پناهندگان خوب، روان، راحت و بی‌دردسر پیش می‌رفت.